



مرزا علی اکبر اردبیلی بن‌الحسن

## آقا میرزا علی اکبر آقا اردبیلی



### اشاره

مرحوم آقامیرزا علی اکبر آقاي اردبیلی از رهگذر مخالفت با برخی از مبانی گروهی از علما در میان خواص وعدم انقیاد به اوضاع سیاسی در بین عوام یکی از نام ورن سدهٔ سیزدهم شمسی است و مانند غالب کسانی که به شهرت دستی می‌یابند عقیده مخالفین و موافقین در باب او در نهایت دیگرگونی . موافقین بدان پایه بالامی برندش که می‌گویند از لحاظ علمی مؤسس است و از نظر زعامت منصف به ملکات انبیاء و مخالفین بدانجا پائین می‌آورندش که مینویسند از درک‌کنه مقالات «قوم» ناتوان است و عنصری است از عناصر ارتجاع . به هر حال چهره‌ای است قابل مطالعه که با این که در کتب تاریخ و رجال تراجمی از او آورده‌اند سرگذشت کاملش به دست نیست از ایشرو این‌بنده باقت بلکه عدم بضاعت به اشاره بعضی از فضلا از جمله «آقاي عبدالحسین حائری» صرفاً به عنوان فتح باب فصولی از زندگی نامه او را در این اوراق

بازگو میکند و در این مختصر نیز مانند دیگر موارد رهین آگاهی های ابن عم فاضل خویش آقای یوسف محسن است.

\*\*\*

مرحوم آقا میرزا علی اکبر آقا از اولاد حاجی میرزا محسن آقای مجتهد اردبیلی است و شایسته است که جهت آگاهی بیشتر نخست ترجمه ای مختصر از او به دست داده شود:

حاجی میرزا محسن مجتهد اردبیلی : او فرزند حاجی عبدالله تاجر بزرگ اردبیل بوده است که در ۱۲۱۲ ه. ق در آن شهر بزاد و پس از آموزش مقدمات زبان عرب ابتدا به زنجان آنگاه به اصفهان و سرانجام به عتبات رفت و در حوزه ی آقا سید ابراهیم قزوینی کربلائی صاحب ضوابط به اجتهاد رسید . (۱)

مرحوم طهرانی به استناد عنوان یکی از کتب او «ثمار الغرار» گوید:

۱ - مؤلفین اربعه : نامه دانشوران طهران ۱۲۹۶ ج ۱ ص ۲۳۱ در ذکر تلامذ صاحب ضوابط : «ومخل الافاضل الحاج میرزا محسن اردبیلی که در نواحی آذربایجان مسلم بود و در گذشت» - ۲ - میرزا محمد تنکابنی : قصص العلما گویا طهران ۱۲۹۶ «سنکی» ص ۳ ایضاً : «و در مجلس درس از هفتصد تا هشتصد نفر از طلاب و محصلین و فقها و مجتهدین و مستنبطین می نشستند از جمله ایشان... و میرزا محمد محسن اردبیلی...»

۳ - طهرانی : الذریعه طهران مجلس ۱۳۶۳ ج ۵ ص ۹ ش ۳۵ «و قرأ علی السید ابراهیم القزوینی صاحب الضوابط حتی برغ - ۴ - ایضا ۱۳۶۷ ج ۷ ص ۲۵۵ ش ۱۲۴۷ «... وینقل فیہ عن استاذہ السید ابراهیم صاحب الضوابط» - ۵ - معلم حبیب آبادی : مکارم الآثار ذیل سنه ۱۲۹۴ «دست نویس» راقم سطور «از آقای سید محمد علی روضاتی اصفهانی ، محقق فاضل ، سپاسگزار است که متن مکارم را استخراج کرده و برای او فرستاد.»

داز تجارت پدرش به حائر گریخت ... و این فقه را نوشت و از این رو «تمار الفرار» نامید. (۱)

آقای معلم نیز این گفته‌ی او را نقل کند. (۲) ولیکن این معنا صحیح نمی‌نماید از آن روکه او لا بدان گونه که یاد شد او مستقیماً به عتبات رفت بلکه سالها در زنجان و اصفهان بود و حتی در زنجان دختر استاد خود را که بانومی بوده است فاضله و خوش نویس به حباله نکاح در آورد و گویند این بانو برای مجتهد سه‌پسر آورد حاجی میرزا الطغملی آقا، حاجی میرزا جعفر امین‌التجار و همان آقامیرزا علی اکبر آقا، تا قوانین میباحثه می‌کرده است گویا آثاری هم داشته باشد. آنگاه رو بدان سونهاد و بدین گونه «فرمن تجارة ابیه الی الحائر» محملی ندارد ثانیاً چنانکه میان احفاد او مشهور است حاجی عبدالله پسر خویش یعنی او را خود جهت تحصیل روانه کرده به هر حال پس از فوت صاحب ضوابط که به وبای عمومی کربلا گویا در ۱۲۶۲ اتفاق افتاد به اردبیل بازگشت و حدود سی سال به مرجعیت مطلقه روزگار گذاشت. مقام علمی: آقای حاجی شیخ زین العابدین مجتهد مازندرانی که با آن بزرگوار در حوزه صاحب ضوابط شریک درس بوده است در اجازه اجتهادی که در ۱۰ شوال ۱۳۰۳ هـ برای یکی از فرزندان او «حاجی میرزا یوسف آقا» نوشته است او را «المرحوم المغفور الدارج الی رحمة الله الملك الغفور والساکن فی دار السرور العالم العلامة والسید الفهامة قدوة العلماء المجتهدین وعمدة الفقهاء المتبحرین» خوانده است.

و افضل المتأخرین شیخ مرتضی صاحب رسائل در حاشیه استغنائی از آذربایجان جواب دابه او احاله کرده است قریب به این نحو «با وجود جناب حجة الاسلام آقای حاج میرزا محسن آقا مجتهد اردبیلی در اردبیل استفتا از این جانب محلی ندارد»

۱- الذریعه ج ۵ ص ۹ - ۲ - همان مکارم الآثار و ذیل وقایع

تصانیف :

۱- ثمارالفرار : طهرانی گوید: « ثمارالفرار فی الفقه الاستدلالی تام من اول کتاب الطهاره الی آخر الدیات فی اربعه عشر مجلدات للمشیخ الفقیه الحاج میرزا حسن بن الحاج عبدالله الاردبیلی المتوفی بها ... (۱) »  
 مرحوم طهرانی با اینکه با اولاد او معاشر بوده است اولاً تعداد مجلدات این کتاب را که شش است چهارده نوشته است و ثانیاً اسم او را «حسن» ضبط کرده است . ولیکن در سواضع دیگر صحیحاً آورده است . به هر حال نسخه‌ی منحصر بفرد این کتاب به هنگام تقسیم ترکه به تملک حاجی میرزا لطفعلی آقا فرزند ارشد یا حاجی میرزا عبدالله آقا فرزند دیگر او درآمد و پس از دست به دست گردی ها اینک در تصرف آقای حاجی شیخ رضا محدث مجتهدی است که از معمرین احفاد آن بزرگوار است و منسلک به سلك اخبارین.

۲- کتاب حج فارسی - او خود در این رساله نوشته است که « کتابی در حج به این تفصیل به فارسی نوشته نشده است یا من سراغ ندارم » نسخه منحصر به فرد این رساله در تصرف آقای یوسف محسن است در زنجان .

۳- کتاب خمس: طهرانی گوید « رساله الخمس بالفارسیه للمولی محسن بن عبدالله الاردبیلی المتوفی ۱۲۹۴ اوله بعد الخطبه » بدانکه خمس حوق مالی است و فرغ منه ۱۲۸۶ ( کذا ) وقد رتبه علی فصلین و خاتمه اولها فیها یتعلق به الخمس من الامور السبعه والثانی فی احکام الخمس والخاتمه فی احکام الانفعال وینقل فیه عن استاذ السیدا پراهیم صاحب الضوابط والنسخة عند السید شهاب الدین کما کتبه الینا (۱) این رساله چاپ شده است .

۴- زینة المتقین: خود او در مقدمه « مصباح الزینة » آورده است که دارای کتابی مفصل است در فقه به نام زینة المتقین و لیکن مع الاسف هیچ آگاهی ای از آن در دست ما نیست.

۱ - ج ۵ ص ۹ ش ۳۵ - ۵ - ایضاً ۶ - ج ۷ ص ۱۵۵ ش

۱۲۴۷

۵- مضباح الزینه : ازاول طهارت تا آخر صوم، مطبوع

۶- مناسک حج، مطبوع

۷- رساله طهارت ، مطبوع

۸- رساله عملیه مطبوع

زعامت : او دارای زعامت مطلقه بوده است اعتماد السلطنه

گوید :

«حاج میرزا محسن مجتهد اردبیلی از افایم علمای آذربایجان بود و در فقاہت و فضایل دیگر مقامی رفیع داشت و از حیث ریاست نیز به هیچکس وقعی نمی نهاد و ثروتی و افر به هم رسانیده» (۱) در باب ثروت او افسانه‌ها پرداخته‌اند و این افسانه‌ها به روزگار خود او نیز برده‌ان‌ها بوده است. چنانکه او خود در وصیت نامه گوید قریب به این مضمون که (بعد از وفات من معلوم خواهد شد که ثروت من بدان اندازه که مردم گمان می کنند نیست آن‌ها پنداشته‌اند که من پنجاه بلکه صد هزار تومان «اوضاع» دارم چنین نیست ولی حقیر حالت گریه هم ندارم و بحمد الله آن اندازه هست که محتاج دیگران نباشم) بهر حال فی الواقع او ثروتی عظیم داشته است چنانکه حالا هم با گذشت یک قرن هنوز در ترکی معروف است به «قیزلی مشستیت» یعنی مجتهد طلایی ولی بهیچ وجه آن را از راه تصرف در جوهه شرعیه نیندوخته بوده و اصولا کاری به این کارها نداشته است بلکه با اندوخته پدری بوسیله عمال خود تجارت می کرده است که حالا فرزندان یکی از همان عمال صاحب یکی از پر سرمایه ترین شرکت‌های تجاری مرکز آنند. و چنین نبوده است که آن ثروت به ارث به او منتقل شده باشد بلکه موهوبه‌ی او بوده است به این شرح. وقتیکه آن بزرگوار در کر بلا بود پدرش برای زیارت عتبات عالیات و دیدار فرزند عازم آن خاک پاک گردید و در منزل او فرود آمد و متوجه شد که او هر روز به بهانه‌ای از اکل طعام ابا می کند سرانجام روزی به الحاح علت این امر را از او استفسار کرد

و اجواب داد که چون مال شما متعلق بحق امام است من از آن اجتناب دارم حاجی که مردی بود معتقد از او خواست که حکم شرع را در باب اموالش جاری کند ولی او منتظر ماند که صاحب جواهر به کربلا بیاید آنگاه او و استاد خویش صاحب ضوابط را بخانه خواند و از آند و چاره جست و بالاخره نتیجه این شد که به دست ایشان پدر تاجر جمیع ثروت عظیم خود را به پسر عالم ببخشد و این ثروت بعدها به برکت علم ! چند برابر شود . این است داستان دارائی او که بی اغراق بیشتر از آن، بخشش داشته است . در باب سخای این بزرگوار داستان زیاد است ولی نیازی به ذکر آن ها نداریم و چند بیتی از مدیحه شیخ موسی بن شیخ جعفر کبیر صاحب کشف الغطا که می آوریمش و همه آن را هم خواهیم آورد در این باب ابلغ از جمیع آنها است .

هذا الذی قدا عان المال میتدرا	ما قال لا للذی فإ جاه بل نعم
هذا الذی صیر المخلوق قاطبة	قنا مطیماً بفضل الجود والکرم
بالعلم والفضل والاحسان مشتهر	فی العرب والعجم بل فی سایر الامم
انسی الانام ندامن و حاتمها	بما اجادلهم بالجود و النعم
	يعطى الجزيل بلامن ولاامل
	ولا رياء ولا کره ولا ندم

در ۱۲۸۶ ثلک اموال خود را وقف بر عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) کرد که برخی از آن ها تا امروز پایدار مانده اند و اهم شان حسینیه ای است در اردبیل به نام خود او که علاوه برداشتن موقوفات فراوان خود يك اثر تاریخی مهم است .  
اولاد : او در مدت عمر خود پنجاه و سه فرزند پیدا کرد و روزوفاتش پانزده پسر و ده دختر از این عده حیات داشتند (۱)

۱- طهرانی گوید: ورزق ثلاثه و خمسين ولد امن صلبه ولد يوم توفی

خمسة عشر ابنا وتسع بنات « الاصح كما قلنا » ج ۵ ش ۳۹

وفات : آورده اند که آن بزرگوار روزی به منبر شد و بر فراز آن گفت: ای مردم من از میان شما می روم . خداوند در این عالم جمیع نعم خویش را بر من ارزانی داشت الا سه نعمت یکی اینکه جهاد نکردم دیگر اینکه حضور امام را درک نکردم و سه دیگر اینکه از شرف سیادت محروم ماندم ولی شکر که دختر خود را به خباله نکاح سید در آوردم (۱)

۱- او یک دختر خود را به حاجی میر سید صالح مجتهد اردبیلی تزویج کرده بود . طهرانی گوید : هوالسید المیر صالح بن السید المیر عبدالرحیم الموسوی الاردبیلی المعروف بالطار فقیه ماهر و عالم بارع کان فی النجف الاشرف من تلامیذ العلامة السید حسینی الکوه کمری و غیره من اکابر علماء عصره و کتب من تقریرات استاذہ مجلدين جلیلین یدلان علی مزید خبرته ومدی اطلاعه وبعد تکمیل نفسه عادالی الاردبیل فقام فیها بالوظائف وصار من المراجع وحصل علی سمعة وجاه و احترام الی ان توفی فی حدود ۱۳۱۹ و لما وصل خبر وفاته الی النجف اقام له الحجة المرحوم المولی محمد الفاضل الشرايانی مجلس الفاتحه فی غایه العز والاناقة و لکن ولده السید ابراهیم کان فی النجف يوم ذاک فبذل هو نفقات ذلك و مصر وفاته و كانت سبعین توماناً وهذا المبلغ کبر للغاتة يوم ذک ... وللمترجم له غیر ما ذکر حواشی علی رسالة عملیه بخطه عند السید آغا التستری فی النجف: طبقات اعلام الشیعه : نقباء المبشر فی القرن الرابع عشر القسم الثاني من الجزء الاول النجف الاشرف - المطبعة العلمیه ۱۳۷۵ م ۸۸۷، فرزند بزرگ آقا میر سید صالح آقا : آقا میر سید ابراهیم آقا بوده است .

طهرانی گوید : هوالسید المیر ابراهیم بن المیر صالح الموسوی الاردبیلی عالم فاضل و رع متقی کان والده الصالح من الاعلام المجتهدین فی اردبیل وله رساله عملیه قام مقامه فی المرجعیه بعد وفاته ولده المترجم الی ان توفی و حمل الی النجف فدفن فی وادی السلام قرب والده نقباء البشر الجزء الاول ۱۳۷۳ ص ۱۶ و توضیح . میر سید صالح آقا در اردبیل جنب مسجد و مدرسه خود مقبره دارد و میر سید ابراهیم آقا نیز در همان جا مدفون است نه وادی السلام این میر سید ابراهیم آقا همان است که بعدها با آقا میرزا علی اکبر آقا دائمی خود در افتاد به شرحی که خواهیم آورد .

این بگفت و پائین آمد و به فاصله چند روز در ۲۵ محرم ۱۲۹۴ قمری مطابق ۱۲۵۵ شمسی از این جهان درگذشت و در ۱۲۹۷ فرزنداناش با تشریفات دولتی جنازه اش را به کربلای معلی حمل کردند و در کفش داری شرقی ایوان حضرت سیدالشهدا (ع) به خاک سپردند . (۱)

در باب فوت آن بزرگوار حکایتی آورده اند که به هر حال خالی از لطفی نیست و از این رو می آوریمش :

آقای آفاسید احمد زنجانی نقل می کند از مرحوم آقا سید جعفر نظام - العلماء زنجانی متوفی شوال ۱۳۵۲ که درمشکین (مشکین قریه ایست نزدیک زنجان) مردی بود موسوم به الله یار که از شدت سادگی او را به خفت عقل نسبت می دادند و گاه سخنانی غریب می گفت ... روزی مرا گفت دیرروز آن مرغان سفید را دیدی گفتم بلی گفت آنها ملك بودند و به تشییع مجتهد اردبیل می رفتند ... چند روز گذشت و از اردبیل مکاری آمد و نقل کرد که حاج میرزا محسن مجتهد در فلان روز وفات یافت و چون حساب کردیم همان روز شد که او گفته بود! (۲)

مدیحه شیخ موسی بن شیخ جعفر

شیخ موسی نجفی خلف شیخ جعفر کبیر صاحب کشف الغطا از اجله فقها متأخرین است و پایه او بدان جا رفیع بوده است که گویند پدرش گفته است که الفقه باقی علی بکارته ولم یمسه احد الا انا والشهید و ابنی موسی . او را در مدح مترجم له قصیده ای است با مقدمه و مؤخره به شرح ذیل که از نسخه ای که به خط شیوای نسخ النهایه منلوط از آن در حسینیه او در اردبیل هست می آوریمش به همان صورت .

كانت مسألة الركب ان تخبرني

عن محسن و عطاء الطيب الخبير

حتى التقينا فلا وامته ما سمعت

اذني بالحسن مما قد رأى بصري

۱ - طهرانی گوید : و حمل الی حائر الحسین و دفن فی الکفشداریه الواقعه علی یسار المستقبل فی الایوان الشریف الحسینی . ج ۵ ش ۳۵

۲ - آقا سید احمد زنجانی ، الکلام یجر الکلام قم ۱۳۷۰ ج ۱ ص